



**شرق، گروه جامعه**: کرونا در بیک پنجم ایران را محاصره کرده و روز به روز رکوردی جدید ثبت می‌کند. مردمی که انگار مسخ شده‌اند و دیگر طی کردن مسیر از خانه تا مزاری جدید برایشان عادی شده و صحبت‌های روزمره‌شان هم تغییر کرده است. مریم می‌گوید: «دیالوگ‌هایم با دوست‌هایم دیگر این‌طور شده: تب نداری؟ غذا بفرستی؟ مامانت از آی‌سی‌یو آمد؟ تسلیت می‌گم، فلانی کرونا گرفت… دارم می‌رم اسکن بدم…».

این بخشی از زندگی روزمره مردمانی است که جان به‌لب‌رسیده منتظر هستند کرونا گوش را کم کند، اما به‌جای کرونا، گورها برای آدم‌ها کنده می‌شود که حتی در مراسم تنفیذ ریاست‌جمهوری، هیچ‌کدام از رؤسای جمهور، وقت تحویل‌دادن و گرفتن کابینه، حرفی از کرونا و مردم غمگین و در محاصره نزنند.

۳۹هزارو ۳۵۷ بیمار جدید مبتلا به کووید۱۹، بالاترین آمار ثبت بیمار روزانه در کشور پس از رسیدن سایه منحوس این ویروس بر فراز کشور است. این تنها تعداد بیمارانی است که تست کروناایشان مثبت شده؛ افراد زیادی سی‌تی‌اس‌کن می‌کنند و افراد دیگری هم با نشانه‌های سرماخوردگی و حساسیت فصلی، ویروس را با خودشان به دلیل نت‌دادن دولت به تعطیلی‌جا‌به‌جا می‌کنند و این ۳۹ هزار نفر و اندی، تنها عدد سرانگشتی از آن چیزی است که امروز ایران تجربه‌اش می‌کند. در طول ۲۴ ساعت ۴۰۹ مرگ کرونایی در کشور ثبت شد تا تعداد کشته‌های این جنگ نابرابر از شروع بحران به ۹۲هزارو ۱۹۴ نفر برسد.

**بیمار در ماشین مرده بود، اما تخت بیمارستانی نمی‌دادند**

یکی از پرستاران که در بیمارستان‌های مرتبط با جراحی زیبایی کار می‌کند و نخواست‌ه نامش فاش شود، درباره وضعیت این روزهای بیمارستان‌ها به «شرق» می‌گوید: «از نخستین روزی که کرونا آغاز شد، بخش‌نامه‌ای آمد که اعلام شد تمامی جراحی‌های الکتیو که به جراحی‌های غیر ضروری، همچون زیبایی اشاره دارد، تا اطلاع ثانوی ممنوع است».
باین‌حال، از همان روز تا به حال تمامی ای جراحی‌ها به‌سادگی در بیمارستان‌ما انجام می‌شود؛ چون پولش برای مدیران آن‌قدر چرب است که نمی‌توانند از آن بگذرند. با وجود این، در تمام این مدت بارها و بارها پرستاران ما را به بیمارستان‌های کرونایی فرستادند. خواهر خودم را که تخصص ارتباطی به کرونا ندارد، فرستاده‌اند خط مقدم کرونا».

او که فروردین خاله، یک ماه پیش عمو و همین چند هفته پیش دخترعموی جوانش را به خاطر کرونا از دست داده است، می‌گوید هیچ جایی نمی‌شد تخت خالی پیدا کرد؛ «حتی من که به واسطه شغل‌م در تمامی بیمارستان‌ها آشنا زیاد داشتم هم نمی‌توانستم تخت خالی پیدا کنم. شاید باورتان نشود دخترعموی من در خودروی من فوت کرده بود، اما وقتی به بیمارستان فیروزگر رفتم کسی ما را نپذیرفت. خودروی اورژانس همیشه اولویت اول برای تحویل بیمار است، اما تا سر خیابان به‌آقرین ماشین اورژانس ایستاده بود و تختی نبود که بیماران را پاده کنند. پرستار بیچاره مقابل چشمان خود من با گریه زنگ زده بود به ستاد و التماس می‌کرد که دیگر بیمار نفرستند، چون ظرفیتشان پر شده است. خودم حیاط بیمارستان امام خمینی را در شرایط دیدم که بالغ بر ۱۰ بیمار با شرایط وخیم منتظر ایستاده بودند».

**وعده بیمارستان‌های صحرائی و سوله‌هایی که عملی نشد**

در این مدت بارها درباره بیمارستان صحرائی و استفاده از سوله‌های درمانی حرف زده شد، اما هیچ‌کدام از آن وعده‌ها در این روزها که اوضاع بحرانی است، به عمل نرسیده؛ «حرف زیاد زدند، اما ما هیچ اثری از بیمارستان صحرائی ندیدیم. معلوم هم بود که توانایی‌اش را ندارند. آخر تجهیزاتی برای اجرای چنین کاری ندارند. مثلا در بیمارستان شهیدا یک سوله را آماده کردند، اما وقتی جز تخت هیچ چیزی دیگری در کار نیست، معلوم است که پروژه به بهره‌برداری نمی‌رسد».

در شرایطی که داروی رم‌دسیور در کشور وجود دارد و برای بیماران کرونایی تجویز می‌شود، نبود سرم نمکی و داروهای ساده دیگر هم خود به معضل عجیبی بدل شده است: «داروی ITIV شبیه آخرین نقطه امید برای بیمارانی است که به شکل حاد درگیر بیماری شده‌اند. من برای عموy خود دنبال این دارو بودم. باز هم تکرار می‌کنم با اینکه آشنا زیاد داشتم به‌سختی توانستم پیدا کنم، آن‌هم با قیمتی باورنکردنی. دکتر ۱۲ عدد از این‌ دارو برای ما نوشته بود که روز اول توانستیم چند عدد به قیمت دانه‌ای دو میلیون و ۵۰۰ هزار تومان پیدا کنیم، اما همین داروی روز بعد قیمتش نزدیک پنج میلیون شد. در عرض نصف روز قیمت دارو را بالا می‌برند. حالا شما تصور کنید یک کارمند چطور باید هزینه این‌ داروها را بدهد؟ من آدمی را می‌شناسم که ماشین فروخته تا هزینه درمان را تهیه کند. اگر همان را هم نداشته‌باشد که دیگر باید بنشیند و منتظر مرگ عزیزش باشد. همه داروها هم همین است. همین رم‌دسیور یالی ۷۵۰ هزار تومان قیمت دارد، آن‌هم به شکل قیمت دولتی و ایرانی و باید دست‌کم پنج نوبت هم تریق شود. حالا در شرایطی که این‌ داروها با این قیمت‌های نجومی در بازار پیدا می‌شوند، شما برای یک سرم قندی- نمکی به مشکل می‌خورید یا مثلا یک قرص ایرانی ناگهان کمیاب می‌شود. آیا اینها چیزی غیر از ردپای مافیایی است که بازار را کنترل می‌کند؟».

**به کادر درمان توجه نمی‌شود**

پرستار دیگری که نزدیک به ۹ ماه در بخش آی‌سی‌یو کرونایی بیمارستان شهدای تجریش کار کرده، درباره تجربه‌اش و تجربه‌اش نیز به‌سخت با کمبود دارو و تجهیزات می‌گوید: «کمبود تجهیزات اولیه نخستین مشکل کماست. حالا‌تازه حرف سرم زده می‌شود، اما برای مسا کادر

روزی ۲۰۰ تهرانی را به خاطر کرونا دفن می‌کنند

# توفان دلتا



است همه افراد را مبتلا کند.

آنتی‌بیوتیک است، بارها شده بیمار از اتاق جراحی برگشته و مسا داروی لازم عفونی برای او را نداریم با کم داریم. با اینکه کمک‌های مالی زیادی از سمت دولت به بیمارستان ما رسیده و خیرین زیادی هم لطف داشتند، اما هیچ‌کدام از این پول‌ها خرج کرونا نشد. دقیقا در چنین شرایطی بیمارستان ما ۸۰ میلیارد به شرکت‌های دارویی بدهکار است و برای همین به ما دارو نمی‌دهند. هرچه داریم هم از انبار است».

او ادامه داد: «اورژانس، آی‌سی‌یو، بخش جراحی و بخش داخلی همیشه بیمار کرونایی دارند؛ چه در یک بیمار باشی، چه نباشییم، اما هر وقت تعداد بیماران کرونایی زیاد می‌شد، سه بخش جدید هم اضافه می‌کردند؛ ولی در این بیک به‌هیچ‌عنوان به این بخش‌ها دست نزنند و هنوز همان چهار بخش ثابت را داریم. نتیجه اینکه بیمارض ساعت‌ها روی برانکار می‌ماند، چون تخت نداریم. البته تخت وجود دارد، اما انگار نمی‌خواهند بخش‌های دیگر را باز کنند. اصلا متوجه نمی‌شویم که چرا چنین تصمیمی گرفته‌اند.

این در حالی است که پرستاران علاوه بر فرسایش شغلی شدید، از نظر مالی هم به‌خوبی تأمین نمی‌شوند: «حق کرونا را مشخص نیست با چه رویکرد و فرمولی حساب می‌کنند. معلوم نیست که ساعتی است یا نه. همان عدد اندک را هم با تأخیر زیاد می‌پردازند. بچه‌ها اعتراض هم کردند، اما حسابداری و کارگزینی هیچ‌وقت پاسخ‌گو نیستند. حق ویژه‌ای هم که خیلی با آن بز دادند، آن‌قدر مالیات خورد که دیگر عدد درخرو توجهی از آن نماند. در واقع فقط نمایش می‌دهند که کادر درمان برایشان اهمیت دارد، در عالم واقع ما چیزی جز ابزار داشته باشیم. چرا؟ چون آمار تکمیلی نداریم، خدکرمی به

**وضعیت بحرانی گورستان پایتخت**

نوشته است «نیمه‌شب صدای ضجه کودک و مرد همسایه می‌آید که مادرشان قبل از رسیدن اورژانس مرده است. دل همه به درد آمد، دل شما به درد نمی‌آید، واکسن بزینده».
کوچه‌های این شهر پر از بارچه‌های سیاهی است که نشان از داغی تازه دارد. می‌گویند روزی ۲۰۰ تهرانی را به خاطر کرونا دفن می‌کنند. مردی که قبرها را آماده می‌کند، می‌گوید: امروز مرد خانواده را خاک کردم. هفته بعدش مادر را. می‌خواستند برای آخرین بار چهره عزیزشان را ببینند و همان شد که هفته بعد چند نفرشان را خاک کردم.

این روزها مرگ‌میرم‌ها خانوادگی است. تصویری از نوجوانی روی تخت بیمارستان که هم مادرش را از دست داده، هم بی‌پدر شده و هم خواهرش در بیمارستان دیگری بستری است. درد مشترک بسیاری از خانواده‌های تهرانی در این روزهای تلخ و سیاه است.

نادر توکلی، معاون درمان ستاد کرونای استان تهران، به ایلنا گفته است که در روزهای آینده از ظرفیت سوله‌های بحران شهرداری برای بستری بیماران استفاده خواهیم کرد. اوایل این هفته بود که سعید خال، مدیرعامل بهشت زهرا، از تلخ‌ترین روزهای بهشت زهرا گفته بود. اینکه کشته‌های کرونا دیگر مربوط به سنی خاص نیست و از همه سن‌وسال‌ها از کودک و خردسال تا سالخورده در میان آمار فوتی‌ها هستند. او وضعیت بهشت زهرا را بحرانی و غیرقابل‌تصور توصیف کرد. به گفته خال درباره کشته‌شدگان کرونا سن‌وسال اصلا مطرح نیست، روز گذشته از کودک تا جوان ۲۰، ۳۰ و ۴۰ساله دفن کردیم و سازمان بهشت زهرا(س) برای پنجمین بار در ۱۸ ماه گذشته وارد شرایط ویژه و بحرانی شد.
خال اضافه می‌کند: متأسفانه بزرگ مرگ‌ومیر کرونایی در شهر تهران به‌شدت رو به افزایش است و در حالت شیب تند رو به بالا قرار دارد. مدیرعامل بهشت زهرا یادآوری می‌کند: تعداد مرگ‌های کرونایی قبل از آغاز بیک جدیدش بین ۳۰ تا ۳۵ متوفی بود که این عدد در روزهای گذشته افزایش چشمگیری داشته است. افزایش چشمگیر مرگ‌ومیر کرونایی در روزهای اخیر می‌طلبد که مردم پروتکل‌های بهداشتی را بیش از گذشته رعایت کنند.

**مرگ‌ومیرها خانوادگی شده‌است**

نیمی از مرگ‌ومیرهای کرونایی سهم تهران است. این را ناهید خدکرمی، رئیس کمیته سلامت می‌گوید. او به «شرق» در این زمینه توضیح می‌دهد: حدود ۵۰ درصد مرگ‌های کشور دارد در تهران اتفاق می‌افتد که این طبیعی هم هست؛ به خاطر اینکه پایتخت کشور است و از همه استان‌ها و شهرهای کشور ورودی و خروجی دارد و ایزوله‌کردن آن غیرممکن است. در موج پنجم کرونا بیشتر موارد نوع دلتای کرونایویروس هستند و همه می‌دانند که بر اساس تحقیقاتی که انجام شده، شدت واکبر و سرعت سرایت این ویروس بسیار زیاد است و آن‌را تقریبا یا آبله‌مرغان برابر می‌دانند. شما می‌دانید که اگر یک نفر به آبله‌مرغان مبتلا باشد و از یک جا عبور کند، ممکن

### جامعه

بیماری در بدنش با سرعتی غیر قابل باور رشد کرد و تنها بعد از چهار روز ما این زن ۳۰ساله را در حالی از دست دادیم که فرزندش تازه راه‌رفتن را یاد گرفته بود. خانه ما بعد از این ماتم شبیه عزاخانه شده بود. پدرم که پیش‌تر دچار آلزایمر خفیف شده بود، بعد از مرگ خواهرم بیماری‌اش اوت کرد و حالا هیچ احدی را به خاطر نمی‌آورد. مادرم تا به امروز دو بار سکنه کرده و فرزند خواهرم که حالا با ما زندگی می‌کند، دچار تش‌های شدید روحی شده است. پدرش هنوز نتوانسته به حالت عادی زندگی برگردد و اوضاع آن‌قدر وخیم شد که برادر بزرگ‌ترم مجبور شد از استرالیا به ایران بیاید تا در مدیریت خانواده کمک‌حال من باشد. خودم هم نمی‌دانم چه اتفاقی افتاده است. دیگر خودم را فراموش کرده‌ام. می‌دانم که روانم بیمار است اما دیگر چیزی برای اذدست‌دادن ندارم که برایش بجنم. من یک انسنان فروپاشیده‌ام که حتی توان زندگی‌کردن به خاطر عزیزان دیگر را هم ندارم. خواهر من مرد چون واکسن نبود. خواهرزاده من بی‌مادر شد چون واکسن نیست. خانواده ما نابود شده فقط چون واکسن نبود و این عزراها ادامه دارد».

حسین هم که به طرز ناگهانی و در زمان شیوع کرونای دلتا تعداد زیادی از افراد خانواده‌اش به این بیماری مبتلا شده‌اند، از بار مالی سنگین وارده بر خانواده می‌گوید: «در خانه ما به‌طور هم‌زمان همه مبتلا شدیم. از برادر شروع شد و به مرور به من، برادر کوچک‌تر، خواهر و والدینمان سرایت کرد. خوش‌شانس بودیم که هیچ‌کدام از ما با شکل حاد از بیماری روبه‌رو نشدیم اما فشار مالی که به خانواده وارد کرد واقعا شدید بود. هیچ‌کدام از ما مجبور نشدیم داروهای گران‌قیمت را تهیه کنیم اما خرید همین داروهای ساده که شبیه به سرماخوردگی بود، تست‌های مربوط به بیماری، سی‌تی‌اسکن و سایر هزینه‌های جانبی برای خانواده ما چیزی بالای هشت میلیون شده است. به‌علاوه مواد غذایی هم که باید در ایس مدت مصرف می‌کردیم، تازه این در شرایطی است که پدسر، مادر و خواهرم بیمه تکمیلی هم ندارند. همکار خود من برای اینکه بتواند هزینه‌های درمان همسرش را که چندین روز در بیمارستان بود، تهیه کند هنوز در قرض است. فرد دیگری را می‌شناسم که ماشین زسر پایش را برای زنده نگه‌داشتن عزیزش فروخته است. تازه اینها درباره نمونه‌هایی است که هیچ‌کدام اغدار نشده‌اند. اوضاع هر روز تلخ‌تر از روز گذشته می‌شود و هیچ‌کس به فکر ما مردم نیست».

## پنجشنبه ۱۴ مرداد ۱۴۰۰

ادامه از صفحه ۸

### رستم در هماون

رستم تیروکمان را به او نشان داد و گفت این سلاح اوست و چون دید به اسب خویش می‌نازد، تیری در کمان گذارده، اسب را بر زمین نشانند و به خنده به او گفت: «اکسون در کنار جفت خود بمان». اشکبوس بیم‌زده از این‌همه چابکی، کمان را به زه کرد و رستم را تیرباران گرفت. رستم به او گفت: «خود را رنجه مدار و دو بازوی خویش را خسته مکن». آنگاه تیری را که پیکان آن الماس‌گون بود و چهار پر عقاب به آن شتاب می‌داد، از کمر برگرفت و تیر را بمالید، دست راست را خم کرد، دست چپ را راست گرداند، به ناگاه خروشی از خم چرخ چاچی برخاست و سپس انگشت دست راستش به نرمه گوشش رسید و تیر را رها کرد، تیر سینه اشکبوس را بشکافت و مهره پشت او را بدرید و آن زمان بود که سپهر بر دست رستم بوسه زد. کمان را بمالید رستم به چنگ/ به شست اندرآورد تیر خدنگ/ برو راست خم کرد و چپ کرد راست/ خروش از خم چرخ چاچی بخاست/ چو بوسید پیکان سرانگشت او/ گذر کرد بر مهره پشت او/ بزد بر بر و سینه اشکبوس/ سپهر آن زمان دست او داد بوس/ قضا گفت گیر و قدر گفت ده/ فلک گفت احسنت و مه گفت زه/ کشانی هم اندر زمان جان بداد/ چنان شد که گفتی ز مادر نزار.

## سلطنت مشروطه و مشروطه مشروعه

... و در نتیجه ظلم به شریعت در این نظام کمتر و در نظام مشروطه بیشتر است!». تحریکات و مخالفت شیخ‌فضل‌الله که با سماجت او بر ایستادگی پای رای و نظرش همراه بود، به صورت نظری استبداد محمدعلی‌شاه را توجیه می‌کرد و عملا هم راه را برای مقابله با جنبش مشروطه‌خواهی و نهادهای برآمده از آن ازجمله به‌توپ‌بستن پارلمان و سرکوب آزادی‌خواهان هموار می‌کرد. متأسفانه فرجام مقاومت شیخ و پافشاری او بر سر مواضع خود، به‌رغم ناراضیاتی مراجع حامی مشروطیت و علما، محکومیت او در محکمه‌ای به ریاست یک روحانی به نام شیخ ابراهیم زنجانی به مرگ بود و در تاریخ نهم یا یازدهم مرداد ۱۲۸۸ه.ش شیخ‌فضل‌الله نوری در تهران به دار آویخته شد.

# ABILYMPICS MOSCOW 2022

## آزمون و انتخاب تیم ملی مهارت افراد دارای معلولیت

برنامه نویسی کامپیوتر / طراحی صفحات وب / عکاسی در محیط باز

طراحی پوستر / طراحی کاراکتر



**رعد**  
مجمع  
آموزشی نیکوکاری

**ثبت نام ۱۲ تا ۲۲ مرداد در**

**raad-charity.org**



**Abilympics**  
Russia



**سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور**

